

محمد حیدری: آنها که «گله» را جاودانه کردند



محمد حیدری آهنگساز صاحب نام ایرانی، از چهره هائی است که در برنامه گله هنر آفرینی کرده است او نیز همراه هنرمندان دیگری که به دعوت بنیاد توس به جشنواره تجلیل از داوود پیرنیا و برنامه گله اختصاص یافته به لندن دعوت شده است. از فرصت حضور او در لندن استفاده و پای صحبت هایش می نشینیم تا از گله بگوید و از هنرمندانی که «گله» را جاودانه کردند.

سؤال: شروع گله با آقای داوود پیرنیا.

ج: آقای پیرنیا بنیانگذار برنامه گله (که اول با گلهای جاویدان شروع ولی بعدا به مرور زمان گلهای دیگری از قبیل گلهای رنگارنگ، گلهای صحرائی یک شاخه گل و احتمالا عناوینی دیگر به آن اضافه شد ولی همه آنها به اسم گله معروف شد.) آقای داوود پیرنیا که از رجال خوش نام و برجسته ایران بودند که در هر پستی خدمات شایسته ای انجام داده بودند این بار در سمت مبتکر و سرپرست برنامه گلهای رادیو برای ارائه موسیقی اصیل ایران همت گماشتند. وقتی برنامه گله شروع شد من در آن زمان شاگرد استاد ابوالحسن صبا بودم و هنوز

تمرین موسیقی می کردم و طبیعتاً به خاطر علاقه ام به موسیقی ایران همیشه شنونده این برنامه در روزهای چهارشنبه ساعت ۱۰ بودم تا آنجا که خاطر هست ارکستر گلها تشکیل می شد از ابوالحسن صبا، علی تجویدی، ابراهیم منصوری ویلن، مرتضی محجوبی پیانو، استاد حسین تهرانی تمبک، وزیر تبار قره نی، یحیی زرین پنجه تار و از جمله هنرمندان دیگری که یادم نمی آید و البته بعدها هنرمندان دیگری مثل پرویز یاحقی، حبیب الله بدیعی، همایون خرم، حسن کسائی، جلیل شهناز، فرهنگ شریف، رضا ورزنده به اضافه ارکستر بزرگ رادیو ایران که حدوداً ۲۵ تا ۳۰ نفر نوازنده داشت به این جمع اضافه شدند و خوانندگان بانوان عبارت بودند از الهه، پوران، حمیرا، هایده، مهستی، ناهید و عده ای دیگر آقایان: بنان، قوامی، گلپایگانی، محمودی خوانساری، عبدالوهاب شهیدی و نادر گلچین بیشتر این اساتید ضمن نوازندگی سلوساز آهنگسازی هم می کردند و از اینجا پاسداری موسیقی ایران به همت آقای داوود پیرنیا شروع شد که جمع کل برنامه های گلها یکی از مفاخر همیشه ماندنی در تاریخ موسیقی ایران است ولی من شخصاً در آن زمان چون سن کم داشتم متأسفانه نایل به دیدار این بزرگ مرد نشدم.

س: اثر برنامه گلها بر موسیقی ایران چه بود.

ج: من همانطور که قبلاً گفتم در سن پانزده سالگی شاگرد استاد ابوالحسن صبا بودم ایشان هم از استعداد من باخبر بودند و گاه گاهی صحبت هایی که در مورد وضعیت موسیقی آن روز ایران با من می کردند یادم می آید که آن زمان استاد صبا قبل از آقای پیرنیا در رادیو بودند و همیشه از وضع بی سر و سامان موسیقی آن زمان کله می کردند و ملودی موسیقی عربی، ترکی استانبولی و هندی بسیار در آهنگهایی که خوانده می شد به چشم می خورد و از جمله دو خواننده معروف آن زمان بنام آقای قاسم جلیلی و منوچهر شفیعی آهنگ های عربی می خواندند. حتی یادم می آید که استاد صبا فرمودند که از طرف رادیوی قاهره نامه ای به رادیو ایران فرستاده شده که در متن آن تأکید کرده بودند که اگر می خواهید آهنگهای عربی بخوانید یا بنویسید ما نت صحیح آن را برای شما بفرستیم که آهنگ را کامل و نه ناقص اجرا کنید. این مطلب را به خاطر این ذکر کردم که توجه بدهم که قبل از برنامه گلها چه بلبشو و هرج و مرجی در قسمت موسیقی ایران بود که خوشبختانه به همت اساتید موسیقی و زحمات خستگی ناپذیر آقای داوود پیرنیا برای تهیه تعداد زیادی موسیقی برنامه گلها و اصولاً پایه گذاری این برنامه موسیقی ملی ایران در بستر واقعی و راه اصیل خود به جریان افتاد که بعد از آن اثر آن را در آهنگ ها و آوازهایی که توسط خوانندگان زن و مرد با همت اساتید موسیقی وقت خوانده شد و همه جاودانی شدند دیدیم.

س: در چه برنامه هایی بوده اید و با چه کسانی از خوانندگان کار کرده اید و اصولاً جمع کارهای خود را بگوئید.

ج: من در سن ۱۷ سالگی نوازندگی در ارکستر شماره یک هنرهای زیبای کشور به سرپرستی و رهبری استاد ابوالحسن صبا توسط خود استاد دعوت شدم تا زمان فوت استاد که در خدمتشان بودم ولی بعداً رهبری ارکستر



اطلاعیه

بنیاد توس به اطلاع می‌رساند به دلیل استقبال بی‌نظیر هموطنان گرامی گلپه بلیت‌های ورودی برنامه گل‌های جاویدان که به بزرگداشت و تجلیل از **داود پیرنیا** اختصاص دارد رزرو شده است. **بنیاد توس** ضمن سپاس از استقبال هموطنان ارجمند، از خواستاران بسیاری که امکان دریافت بلیت ورودی نداشته‌اند پوزش می‌طلبد.

دفتر روابط عمومی **بنیاد توس**

شماره یک به آقای حسین دهلوی که از موسیقیدانان بسیار باسواد و خوش قریحه‌ای بودند سپرده شد. من بعد از مدتی که در خدمت ایشان بودم به خاطر بعضی مسائل خانوادگی نتوانستم ادامه کار در ارکستر را بدهم تا

اینکه تلویزیون کانال ۳ که اولین تلویزیون ایرانی بود به وسیله شرکت خصوصی آقای ثابت پاسال تاسیس شد و آقای مهرداد پهلبد شوهر والا حضرت شمس پهلوی رئیس اداره هنرهای زیبای کشور بودند و ایشان هم به خاطر علاقه ای که به موسیقی ایرانی داشتند و به خاطر پیشبرد موسیقی عهده دار اجرای موسیقی تلویزیون کانال ۳ شدند و چندین ارکستر کوچک درست شد و من توسط آقای دهلوی برای نوازندگی در ارکستر شماره ۱ به سرپرستی مرحوم نصرت الله گلپایگانی دعوت به کار شدم و بعد از دوسه ماهی که ایشان به خاطر یک عمل ناموفق گواتر بدروید حیات گفتند بعد از مدتی به سرپرستی همان ارکستر انتخاب شدم و اینکه باید بگویم با چه کسانی کار کرده ام.

در آن زمان خوانندگان هنرهای زیبای کشور که بعد به وزارت فرهنگ و هنر تبدیل شد عبارت بودند از، بانوان: خاطره پروانه، افخم، افسانه، پیوش و آقایان: محمود نخست، تورج، استاد کریمی، نادر گلچین که تقریباً با همه ایشان کار کردم البته باید بگویم که در آن وقت افتخار همکاری با سرکار خانم لعبت والا و آقای ابراهیم صفائی که از شعرای بسیار خوب ما هستند را داشتم و بیشتر ترانه هائی را که آهنگهایش را برای وزارت فرهنگ و هنر می ساختم شاعره گرامی خانم لعبت والا می سرودند که به وسیله خانم خاطره پروانه خوانده می شد. تا اینکه یکی از آهنگهای من را خانم الهه از تلویزیون کانال ۳ شنیدند و از آن آهنگ خوششان آمد و از من خواستند که آن را بخوانند و به وسیله خانم الهه به تورج نگهبان معرفی شدم و از این همکاری آهنگی ساخته شد به اسم (نامهربونی) که بسیار معروف شد و بعد از این خواننده های دیگر رادیو از من خواستند که برای آنها هم آهنگ بسازم و من برای خانم ها هاید، مهستی، حمیرا و الهه و آقای گلپایگانی و بعد از این که مقیم آمریکا شدم برای آقایان ستار، معین، امید آهنگهای بسیار معروفی را ساختم.

س: ممکن است نام بعضی از آهنگهایی را که ساخته اید اعلام کنید؟

ج: الهه: نامهربونی، آشفته، پونه ها. مهستی: آشفته، دل از تو دلگیره، افسرده دل، چراغ، بیا بنویسیم، هوای یار، میخونه بی شرابه. هاید: حیف حیف، دل سرده سرده، وقتی که از تو دورم، منم آنکه برای تو میمیره، نشانه، دلم می خواد که روزی صد هزار بار، سوغاتی، زهر جدائی، به جز خدا کسی نیست، بهار بهار، قلبم گرفت، اونکه یه روزی و این خدا بود. گلپایگانی: بی قرار، هوس میکده، قدر محبت، خوونه عشق، اشک، عجب عمرا تموم شد.

ضمناً در برنامه گلهای تازه که شروع کار من در برنامه گلها بود به همراهی ویلن حبیب الله بدیعی و ضرب آبتین اجلالی گلهای تازه شماره ۹۹ با صدای نادر گلچین و بیات ترک با ویلن اسدالله ملک و صدای ایرج و با عمادرام ماهور با صدای ایرج و آهنگ در این سرای بیکسی با شعر خود آقای هوشنگ ابتهاج که سرپرستی برنامه گلهای تازه را هم داشتند برای خانم مهستی و آواز، آقای گلپایگانی در آواز دشتی و با صدای شجریان آواز نوا با جلیل شهناز تار و اصغر بهاری کمانچه و از نوک مژگان میزنی تیرم چند با ویلن فریدون شهبازیان ضرب آبتین اجلالی و صدای نادر گلچین روی هم رفته شش برنامه تازه را نوازندگی سنتور کردم.

ضمنا به خاطر علاقه ای که به برنامه گلها داشتم خودم در آمریکا گلهای غربت را ابتکار کردم که همه با استقبال فراوان مواجه شد. گلهای غربت شماره ۱ هاید، گلهای غربت شماره ۲ معین، گلهای غربت شماره ۳ معین، گلهای غربت شماره ۴ اکبر گلپایگانی، گلهای غربت شماره ۵ با صدای ستار را تهیه کردم که انشاءالله بتوانم ادامه این کار را بدهم. ضمنا برای آهنگ هایم و همکاری شاعران گرامی، خانم هما میرافشار، تورج نگهبان، اردوان سرفراز، لیلا کسری، مسعود امینی و مسعود فردمنش بهره بردم.

س: وضعیت فعلی موسیقی در داخل و خارج از کشور.

ج: در مورد موسیقی در داخل ایران، موضوعی است که به من مربوط نیست. به قول معروف کشتیان را سیاستی دگر آمده است و لی وضعیت موسیقی در خارج کشور مخصوصا موسیقی لس آنجلس یک واقعیتی را باید بیان کنم و آن این است که نسل جوان در هر کجای دنیا موسیقی نسل خود را می خواهد که کم و بیش با تحرک و تازه طلبی همراه است ولی برای موسیقی لس آنجلس یک موسیقی بی بند و بار بی سر و ته هرکی هرکی ملودی های ترکی، هندی، عربی، موسیقی فقط و فقط قر کمری اشعار بی معنا و یک بعدی که فقط برای مصرف در عروسی ها و جشن های پیش و پس از عروسی و ختنه سوران به درد می خورد و هر روز از روز قبل بدتر و کم محتواتر و باز به خاطر بچه هایی که در خارج از کشور به دنیا می آیند و با یک فرهنگ دیگر بزرگ می شوند و با فرهنگ مملکت خود هم غریبه هستند خواه نا خواه بعد از دو سه نسل همین موسیقی هم از بین خواهد رفت. البته خواننده های نسل من که قبلا در ایران هم خوانندگی می کردند از این قاعده مستثنی می باشند.

ولی خوشبختانه در خارج از لس آنجلس مخصوصا در انگلستان باز وضع موسیقی جدی تر است و البته از آقایان دیگر خبر ندارم ولی دوست عزیزمان آقای جمشید رضایی شیددا مشغول فعالیت موسیقی اصیل ایرانی هستند که دشمن گرم و کارهایشان باعث دل گرمی است.

س: نظر شما در باره بنیاد توس و اهمیت تجلیل آن از هنرمندان و برای ادامه آنها به نسل بعد چیست؟

ج: البته باید بگویم که این کار بنیاد توس بسیار کار فرهنگی و در حقیقت کاری است که زحمت زیاد می برد و تاثیر بسیار خوب آن در نسل فعلی و انتقال آن به نسل بعدی کاری است که از چندین بنیادها بر می آید و باید یک خسته نباشید به برگزار کنندگان این جشنواره منحصر به فرد گفت.